

نمایشنامه نویسی آلمانی از توسعه‌ی تناتر دموکراتیک خوشحال است
(مصاحبه هفته نامه صدای مردم با برتولت برشت)

نویسنده: برتولت برشت، فیلیپ اس فونرو آن هورمن
مترجم: محمد کاظم دامغانی

برتولت برشت از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۷ از سوی آلمان هیتلر، به آمریکا تبعید شد. در باره‌ی سال‌های حضور برشت در آمریکا، مطالب زیادی نوشته شده که حتی در کتابی به نویسندگی برتولت برشت و جیمز کی لیون منحصر به این موضوع پرداخته شده است. اما هیچ نشانه‌ای از تبعید برشت در آمریکا وجود ندارد (انشارات دانشگاه پرینستون ۱۹۸۰)

در ماه مه ۱۹۴۵ برشت از کالیفرنیا به نیویورک سفر کرد، دلیل این سفر بازدید از اجرای نمایش انگلیسی زبان یکی از نمایشنامه‌های کوتاه مجموعه‌ی ترس و نلکت رایش سوم به نویسندگی برتولت برشت بود. قرار بود تا سه هفته‌ی آینده در آف برادوی افتتاح شود.

در این نمایشنامه وی دوازده سرباز آلمانی، که با توجه به تجربیات و اتفاقاتی که خودش در جبهه‌ی شرقی درک کرده بود را به تصویر می‌کشد. به گونه‌ای که سرسپردگان مسلح هیتلر در این نمایشنامه دستخوش تغییرات دستوری می‌شوند.

قرار بود این نمایشنامه را اروین پیسکاتور که بنیان‌گذار تناتر سیاسی بود، کارگردانی کند، که پس از درگیری و نزاع با برشت، این نمایشنامه را به برتولد ویرتل سپرد.

تناتر در دنیا یکی از نهادهای مردمی است. بیاید تناتر را ادامه دهیم برای صلح. هنر نماد دهکده‌ی مردمی جدید است، برتولت برشت نیز تجسمی از خالقان هنر مردمی است که پیامش امید و پیروزی جهانیانی است که در شعله‌های جنگ از داغ سفیدها زخمی شده‌اند هفته‌ی گذشته به دنبال آقای برتولت برشت می‌گشتم، که متوجه شدم مرد میانسال اهل ادب و با شور و شوق، البته صبورانه در حال کار با بازیگر سیاه پوستی است، که قرار است نقش یک سرباز نازی اهل بایرن را بازی کند. این صحنه برای من جالب بود، قبلا سربازی که در تبعید آمریکا بود را دیده بودم.

من مصاحبه را با این پرسش آغاز کردم، که چرا یک سیاهپوست را در نقش یک سرباز باواریایی گذاشته‌ای؟ از پاسخ او این چنین به نظر می‌رسید که او روکرد تناثری را درک می‌کند، چون او بازیگر خوبی است، رنگ مهم نیست این استعداد است که اهمیت دارد. هنگامی که از مشاهده های او از تناثر در این کشور (آمریکا) پرسیده شد، پاسخ او به همان اندازه روشنگر بود.

برشت: من چیز زیادی درباره‌ی این بازیگر نمی‌دانم، اما چیزی که مشخص است استعدادیست که در او می‌بینم. فاجعه اینجاست که نگرش های تجاری بر هنر تناثر بسیار مسلط شده است؛ در صورتی که استعداد و امکانات در مسیر شکوفایی قرار دارد، نه مسأله‌ی تجارت و اقتصاد. به نظر من تناثر آمریکا هنوز بهبود پیدا نکرده است. چرا که قبلاً جریان کارگری سیاهان در آمریکا سرکوب شده، امروز این وعده را می‌دهم، همان جریان در تناثر آمریکا می‌تواند ناجی تناثر باشد، که بتواند تناثر آمریکایی اصیل پدید آورد بازیگری که نمایشنامه‌ی آلمانی را به خوبی به انگلیسی تبدیل می‌کند و نقش را مال خود می‌کند، این بازیگر استعداد سرشاری دارد، امثال او می‌توانند تناثر برادوی را که تجارتنی تقلیدی و مضحک از تناثر غرب است را تبدیل به تناثر اصیل آمریکایی کنند. با وجود تلاش برای از بین بردن سیاهان و فعالیت های آن‌ها، اما این نقش‌ها را سیاه‌پوستان به شکل قوی‌تری ایفا می‌کنند.

منظور شما امثال روچستر (کم‌دین سیاه‌پوست) است؟

برشت: من روچستر را نمی‌شناسم، اما فکر می‌کنم برای هر سیاهپوستی سخت است که بتواند برای تأمین زندگی خود تلاش کند.

آیا فکر می‌کنید یک بازیگر سیاهپوست باید از بازی کردن در نقش هایی که همیشه برایش کنار می‌گذارند جلوگیری کند، معمولاً به این افراد نقش های خدمتکار احمق و یا صرفاً جهت خنده پیشنهاد می‌شود؟

برشت: تعیین قانون در تناثر سخت است، او اگر توانایی رد کردن آن را داشته باشد بهتر است در مقابل پول فداکاری کند. اما به نظر من اینکه سیاه‌پوستان را برای نقش های خنده آور انتخاب کنند کار درستی نیست. بازیگران تناثر در نهایت بازتاب سطح فرهنگی و نظام اجتماعی خواهند بود.

به نظر شما سیاه پوستان باید چه نقش هایی را بازی کنند؟

(ناگهان رفتار مودبانه و متواضعانه ی آقای برشت تغییر کرد، او بی تاب به نظر می رسید و گفت): این سوال احقانه است، بچه گانه است در مورد بازی کردن سیاه پوستان باید بگویم آن ها باید همه چیز را بازی کنند. منظورم همه چیز است، شکسپیر، اونیل، ایسن، نه فقط نقش های خاص. من این ایده را که سیاه پوست ها فقط نقش های خاصی بازی کنند را دوست ندارم. اگر او نقش هملت را بازی می کند، اجازه دهید هملت باشد، یک شاهزاده دانمارکی، اگر ایسن است، بگذارید تفسیر نروژی باشد و اگر اونیل است، بگذارید آمریکایی باشد. من فکر می کنم او تل و اترز (بازیگر و موسیقیدان - آمریکایی) امروز یکی از بهترین بازیگران جهان است. هیچکس بهتر از او نیست در این کشور، البته برای او سخت است تا فرصتی پیدا کند برای ایفای نقش در قطعات کلاسیک.

از نظریات برشت درباره ی تناثر به عنوان رسانه ای در حال تغییر سوال کردیم، او پس از مدت ها به آسیب های اجتماعی موجود، مانند تعصب ژرادی پاسخ داد. (بخشی به انگلیسی، بخشی به آلمانی)

کارگردان ویرتل و برشت به تمرین خود ادامه دادند و من به تماشای آن ها نشستم. او سعی کرد برخی از تجربیات موفقیت آمیز خود را در اروپا به یاد بیاورد و برای ما بازگو کند، تجربه ای مانند نمایشنامه ی اُپرای سه پولی، که طولانی ترین اجرای نمایش در آلمان بود.

برشت: تناثر بزرگ و تجاری بیشتر در تربیون است، یعنی یک پلتفرم عمومی بزرگ که در آن مشکلات زمانه نشان داده می شود. بنابراین به طور طبیعی مشکلاتی وجود دارد که باید بدون پیش داوری ژرادی یا هر مسأله ی اقلیتی مطرح شوند. سیاه پوست همان اندازه که شانسی ندارد به همان اندازه شانسی برای کمک کردن به موسیقی و تناثر دارد.

قبل از تمرین از موریس ایس بازیگر سیاه پوست این نمایش درباره همکاری با برشت و نمایشنامه ی ترس و نکبت رایش سوم پرسیدم، او از این موضوع بسیار خوشحال بود، فقط کمی از گذاشتن رنگ سفید به صورتش دچار زحمت شده بود.

نمایشنامه ی ترس و نکبت رایش سوم و نظرات و ایده ی برشت، میخ دیگری بود بر پیکر تبعیض ژرادی. برای تابوت فاشیست تناثر باید بیشتر از برشت استفاده کرد.